صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک:
۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

آخر خط

## دلستر خانواده

طرح: آنوسا مافی

ایلیا موسایی

راننده نفهمید که توی آن خیابان خلوت و پیچ راه‌باریکه خاکی یکهو چه شد که زن پیدایش شد و با دو دست تندوتند روی کاپوت کوبید. فقط شبحی سر تا پا خاکی و ژولیده دید که وسط بامبی کوبیدن‌هایش روی بدنه ماشین ناله کمک‌مانندی از گلویش بیرون آمد. وقتی سوارش کرد تا اوایلی که برسند به چراغ‌های شهر یکریز گریه می‌کرد و فخ فخ بالاکشیدن دماغش به راه بود. کمی که آرام‌تر شد راننده پرسید: «چی شده خانم؟ اینجا چیکار می‌کنی؟» زن جوان دوباره توی خودش مچاله شد و پیشانی‌اش تا داشبورد ماشین رسید و دوباره زد زیر گریه و وسط هق‌هق‌هایش چیزی شبیه «خدا ازشون نگذره» شنیده شد.

ساعت ۹ شب بود و راننده کنار یکی از مغازه‌ها توقف کرد. یک آبمیوه و یک بسته دستمال جیبی خرید. و به دست زن داد. وقتی دوباره پشت فرمان می‌نشست متوجه پاهای برهنه و کثیف زن شد. راننده گفت: «کسی رو داری زنگ بزنم؟» زن آبمیوه را لاجرعه سر کشید از گلویش صدای واع فرو دادن آبمیوه بلند می‌شد. بعد بسته دستمال را باز کرد و دماغش را گرفت. گفت: «هیچی یادم نمیاد» راننده چراغ بالای سر را که روشن کرد لباس‌های مندرس و غبار گرفته‌اش را دید. زن گفت: «چهارنفر بودن» راننده گوشی را روشن کرد و گفت: «زنگ بزنم به پلیس» «خانواده‌ام حتما الان زنگ زدن. سه روز نبودم» راننده گفت: «یادت نمیاد آدرستون کجاست؟» زن سرش را با هردو دست گرفت و گریه کرد «نمی‌دونم. خدایا چه بلایی بود ...» مرد هوف کشداری بیرون داد و گوشی‌اش را برداشت و از ماشین پیاده شد. گفت: «می‌رم از مغازه یه چیزی بگیرم.»

وقتی مرد داشت پول خریدهایش را حساب می‌کرد یک آن به ماشین نگاهی انداخت و صورت زن جوان را دید که از انعکاس نور ملایمی روشن شده و به دست‌هایش نگاه می‌کرد. یک بسته سیگار و یک دلستر استوایی و یک بسته پوشک بچه خریده بود. خریدها را روی صندلی عقب گذاشت. وقتی نشست به زن گفت: «گوشی داری؟» زن دستپاچه گفت: «نه به خدا. همه چیزم رو گرفتن خیر ندیده‌ها» مرد گفت: «می‌برمت کلانتری» زن گفت: «سیدی» و اضافه کرد: «خونه مون سیدیه» راننده گفت: «خوبه. من خودمم همونجا می‌شینم» زن دستپاچه گفت: «تازه اومدیم اونجا. فقط می‌دونم کوی المهدیه ... کوچه و پلاک رو با چشم می‌تونم تشخیص بدم» مرد گفت: «فکر کردم حافظه تو از دست دادی ولی انگار حالت خوبه» زن چیزی نگفت. دوباره دست‌هایش را روی شقیقه‌ها گذاشت. مرد گفت: «وقتی توی مغازه بودم دیدم صورتت روشن شده. مثل وقتایی که کسی گوشی روشن توی دستش می‌گیره» بعد یک لحظه به زن نگاه کرد که ساکت نشسته بود. مرد گفت: «مشکوک می‌زنی» زن گفت: «خب. پس چرا پیاده‌ام نمی‌کنی؟» خیابان خلوت بود و فقط یک موتور توی آینه عقب دیده می‌شد که توی تاریکی پشت سرشان حرکت می‌کرد. مرد گفت: «دیدم جایی نداری. گفتم کمکت کنم» زن به مرد نگاه کرد. مرد با لبخند گفت: «خونه برادرم چند وقته رفتن مسافرت. می‌تونم ببرمت اونجا تا وقتی خانواده‌ات رو پیدا کنیم» زن لبخند کم حالی زد و گفت: «ممنون که کمکم می‌کنی» مسیر تاریک بود و فقط صدای قاژ موتوری پشت سرشان می‌آمد. مرد گفت: «راستشو بگو اون وقت شب تو جاده چیکار می‌کردی؟» زن گفت: «دیدم پوشک خریدی. متاهلی؟» مرد گفت: «هی بگی نگی» «یعنی هستم ولی رابطه‌مون خوب نیست» زن گفت: «پس اهل لایی کشیدنم هستی» مرد خندید. گفت: «الان که می‌خوام کمکت کنم» زن دست کرد توی جیب مانتوی خاک گرفته‌اش و گوشی را بیرون آورد. صفحه را روشن کرد و سریع یک پیغام تایپ کرد. مرد گفت: «پس دروغگو هم هستی» بعد اضافه کرد: «خب چی؟ میای؟» زن نگاهش کرد. مرد گفت: «تمام مخارجت با من» زن گفت: «حالم بده بزن کنار» مرد کنار حاشیه توقف کرد. موتوری به آن‌ها رسید و جلوی ماشین ایستاد. دونفر بودند. مرد، اول به زن نگاه کرد و بعد به دونفر موتور سوار. زن گفت: «پیاده شو» مرد سریع ماشین را قفل کرد و گوشی را برداشت که به ۱۱۰ زنگ بزند. زن گفت: «منو دزدیدی و آوردی توی این درندشت. حالا خودتم می‌خوای زنگ بزنی پلیس؟» مرد خشکش زد. صدای اپراتور ۱۱۰ از آن‌طرف خط می‌آمد. مرد تماس را قطع کرد. زن گفت: «انتخاب کن! پیاده میشی؟ یا تجاوز و آدم دزدی میفته گردنت؟ تازه! همه طلاهامو ازم گرفتی» مرد مثل جن‌زده‌ها چیزی نگفت. گوشی را از شارژر فندکی جدا کرد و دید یکی از موتور سوارها با دسته چاقو به شیشه می‌زند. صورتش را پوشانده بود. صدای ضعیفش از آن طرف شیشه می‌آمد: «گوشی رو بذار همونجا بمونه» زن لب‌هایش را کج کرد: «ببخشید دیگه بعضی وقتا این‌طوری میشه». بعد رو به موتورسوار تشر زد: «خیلی مس مس می‌کنی. دو ساعته علافم» جیب‌های مرد را خالی کردند. یکی از موتورسوارها پشت فرمان نشست و به سرعت از او دور شدند. پوشک و دلستر خانواده هنوز روی صندلی عقب ماشین بود.

# پایان یک زندگی نسبتا خصوصی

## محمد علی نجفی به قتل همسر دومش اعتراف کرد

مهدی قرآنی

صدای شلیک چند گلوله از طبقه هفتم برج مسکونی آرمیتا نه‌فقط سعادت‌آباد تهران که تمام ایران را در بر گرفت، جایی که یکی از نخستین صفحات یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های جنایی ایران در آن ثبت شد. یک سو، شهردار مستعفی و پرحاشیه تهران ایستاده بود و کسی نمی‌داند در آن لحظه به چه فکر می‌کرده است، و آن‌سوتر، میترا بود، بی‌جان و غرق در خون.

ماجرای قتل میترا استاد، همسر دوم محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران، دیروز مهم‌ترین خط خبری رسانه‌های ایران بود. اخبار لحظه‌ای مخابره می‌شد. خیابان‌های منتهی به برج مسکونی‌ای که مقتول در آن زندگی می‌کرد مملو از پلیس بود. همسایه‌ها سراسیمه بودند و خبرنگاران به دنبال سرنخ‌های حادثه.

شهردار سابق تهران حتی فکرش را هم نمی‌کرد پس از استعفایش و ماجرای جنجالی رابطه‌اش با میترا، باز هم خبر یک رسانه‌ای ایران بشود. ماه‌های پیش، نجفی زندگی تازه‌ای را با میترا آغاز کرده بود، رابطه‌ای که قرار نبود علنی شود اما شد، و این آغازی بود بر حاشیه‌ها و زندگی جنجالی آقای نجفی. کسی که روزگاری امضایش بر تمامی کتاب‌های درسی حک شده بود، اکنون سوژه یک صفحه حوادث تمام روزنامه‌ها شده است.

او پس از نشستن بر کرسی شهرداری تهران، با حرف و حدیث‌های زیادی روبه‌رو شد. در زمان صدارتش بر بلدیه تهران، فیلم رقصیدن دخترکان خردسال سوژه‌ای ناب دست رسانه‌ها داد و طولی نکشید که امضایش را پای نامه استعفایش بزند و از «بهشت»* رانده شود.

کناره‌گیری‌اش از شهرداری تهران آغازی بر حاشیه‌های تازه زندگی نجفی بود اما این همه ماجرا نبود و انتشار تصاویر او به همراه زنی جوان آقای شهردار سابق را به سمت حاشیه‌هایی بزرگ‌تر هل داد. خبر ازدواج دومش با میترا استاد مثل توپ فضای مجازی را ترکاند تا جایی که واکنش واکنش میترا همسرش را در پی داشت. همان زمان، میترا به این حواشی واکنش نشان داد و در گفت‌وگو با رسانه‌ها شایعه ارتباط نامشروع با محمدعلی را رد کرد و گفت که نجفی را عاشقانه دوست دارد و همسر عقدی اوست.

چند ماهی خبری از رانده‌شده مغموم بهشت نبود تا اینکه ظهر دیروز توییت خبرنگار انصاف‌نیوز او را به صدر اخبار آورد: دیروز زن دوم نجفی زنگ زد انصاف و می‌خواست باهامون مصاحبه کنه. امروز قرار بود بیاد دفتر. همین امروز به قتل رسید.

خبر قتل همسر دوم محمدعلی نجفی در چشم‌برهم زدنی فضای مجازی را پر کرد و پای خبرنگاران زیادی را به خانه مقتول کشاند. گزارش‌های میدانی خبرنگاران حاکی از آن بود که تعداد زیادی خودرو پلیس مقابل برج مسکونی محل سکونت استاد متوقف شده‌اند.

قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، که در محل حادثه حضور داشت، در همان دقایق اولیه قتل همسر دوم شهردار سابق تهران را تأیید کرد. با اینکه این مقام قضایی از پاسخ به سؤالات خبرنگاران طفره می‌رفت، به‌ناچار اطلاعاتی در اختیار رسانه‌ها گذاشت و گفت محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران، در محل حضور ندارد و همسر او به ضرب ۵ گلوله سلاح گرم از ناحیه سینه به قتل رسیده است.

### دیدن جنازه غرق در خون مادر

علت قتل میترا استاد، محل سکونت تازه او در یک برج مسکونی در یکی از مناطق مرفه‌نشین تهران و واکنش نشان ندادن نجفی، همه، کلاف سردرگمی بود که خبرنگاران حاضر در محل جنایت در پی رسیدن به پاسخی درست برای آن بودند. یکی از همسایگان مقتول که در طبقه ششم این برج مسکونی زندگی می‌کند در مصاحبه با خبرنگاران مدعی شد فرزندانش صدای درگیری مقتول در واحدش را شنیده‌اند. این زن جوان در اظهاراتش مدعی شد هیچ شناختی از همسایه مقتولش ندارد و او کمتر از یک ماه است در این برج ساکن شده است.

با توجه به اینکه هنوز مشخص نبود چه کسی خبر کشف جسد را به پلیس داده است، شنیده‌ها حاکی از آن بود که فرزند سیزده‌ساله متوفی در زمان برگشت از مدرسه جسد غرق در خون مادرش را داخل حمام مشاهده و موضوع را به پلیس گزارش کرده است.

تحقیقات میدانی پلیس و دستگاه قضایی ادامه داشت و جسد متوفی به دستور قاضی شهریاری برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد اما هنوز خبری از شهردار مستعفی تهران نبود تا اینکه خبر مصاحبه‌اش با یکی از رسانه‌ها دوباره آتش این حادثه را برافروخت. نجفی در پاسخ به سؤال خبرنگار فارس مبنی بر اینکه آخرین بار چه زمانی همسرش را دیده است گفت: من الان مشغول کاری هستم. نمی‌توانم صحبت کنم.

همین متن کوتاه دوباره بازار حواشی و شایعات را داغ کرد و برخی قتل میترا استاد را شبیه به پرونده قتل همسر دائم ناصر محمدخانی به دست شهلا جاهد دانستند. عده‌ای هم از متواری شدن نجفی خبر دادند تا جایی که سخن‌گوی قوه قضائیه برای خواباندن این حواشی واکنش نشان داد. غلامحسین اسماعیلی در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان اظهار کرد: تحقیقات این پرونده به‌تازگی آغاز شده است. سرنخ‌هایی هم به دست آمده اما هنوز هیچ شخصی به عنوان متهم به قتل دستگیر نشده است.

با توجه به شرایط امنیتی برج مسکونی‌ای که میترا استاد به‌تازگی در آن سکونت یافته بود و اینکه هیچ شخصی بدون هماهنگی نگهبان نمی‌توانسته است به آن ورود پیدا کند و از سویی دوربین‌های مداربسته این برج مرتفع، شناسایی عامل یا عاملان احتمالی قتل کار چندان پیچیده‌ای نبود اما دستگاه قضا و پلیس از ارائه اطلاعاتی بیش از این خودداری کردند.

### یک مصاحبه جنجالی

در خصوص قتل میترا استاد، برخی از رسانه‌ها بیکار ننشستند و به برخی از حواشی این زن و شوهر پرحاشیه پرداختند. در این خصوص، مشرق‌نیوز متن مصاحبه پیشین میترا استاد با تارنمای «امید مردم» در خصوص ماجرای عروسی‌اش با نجفی را منتشر کرد.

در متن این مصاحبه، میترا از عشق به همسرش صحبت کرده و مدعی شده است هر انسانی در هر منصب و جایگاهی که باشد باز هم یک بخش خصوصی در زندگی‌اش دارد. او گفته بود هر فردی می‌تواند عاشق شود و ازدواج کند و همه انسان‌ها تا زمانی که جان دارند حس دوست داشتن در وجودشان هست، چه دکتر نجفی باشد چه هر شخصیت دیگری. استاد در این گفت‌وگو از انگ‌هایی که به او نسبت داده بودند هم حرف زده و ادامه داده بود برخی‌ها گفته‌اند او زن صیغه‌ای دکتر است در حالی که عقدنامه دارد و حتی اگر صیغه باشد هیچ مشکلی با این موضوع ندارد.

میترا با اشاره به نحوه ازدواجش با نجفی گفته بود او خیلی محترمانه خواستگاری کرده و استاد هم بعد از مشورت با خانواده‌اش جواب مثبت داده و ازدواج در سال ۹۷ سر گرفته است.

البته در آن زمان عکسی از نجفی و میترا در یک صفحه اینستاگرامی منتسب به شهردار سابق تهران با شعری از حافظ منتشر شد که خلاف عرف مقامات کشور -حتی مقامات سابق!- بود و به همه شایعات صیغه‌ای بودن همسر دومش پایان داد. البته نجفی بعدا ضمن تأیید خبر ازدواج دومش، مدعی شد صفحه اینستاگرامی به او تعلق ندارد.

انصاف‌نیوز هم عصر دیروز پیش از اعلام دستگیری قاتل و پس از داغ شدن ماجرای قتل همسر دوم نجفی، از ماجرای تماس میترا استاد با خبرنگارش پرده برداشت و در متنی نوشت همسر دوم محمدعلی نجفی در ساعت ۱۵:۳۱ روز دوشنبه در تماسی تلفنی با خبرنگارشان گفته بوده است می‌خواهد مصاحبه‌ای کند تا کمی از آبروی رفته‌اش بازگردد. او همچنین از وعده‌های پیش از ازدواجش گفته و مدعی شده بود بخشی از آن وعده‌ها محقق نشده است. البته در ادامه این متن آمده است ادعاهای میترا استاد در این تماس‌ها از سوی انصاف نیوز قابل تأیید یا رد نیست چون این تماس تلفنی از سوی او و در روز تعطیل بوده و امکان ضبط آن نیز نبوده است؛ ضمن اینکه این تماس‌ها در قالب مصاحبه نبوده و پس از آن انصاف‌نیوز آمادگی خود را برای مصاحبه حضوری در روز سه‌شنبه اعلام کرده است.

در حالی که تحقیقات این پرونده برای شناسایی قاتل میترا استاد ادامه داشت، محمدعلی نجفی به پلیس آگاهی تهران مراجعه کرد و به قتل همسر دومش اعتراف کرد. قاضی شهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، اعلام کرد نجفی انگیزه خود را از ارتکاب قتل همسرش اختلافات خانوادگی مطرح کرده است.

به گفته شهریاری، با توجه به حساسیت‌های موجود، دستورهای لازم برای انتقال متهم به پزشکی قانونی صادر شد و قرار است پزشکی قانونی از محمدعلی نجفی تست روان‌شناسی و تست مواد مخدر و مصرف الکل بگیرد هرچند سرپرست دادسرای امور جنایی تهران افزود: این به معنای مصرف مواد مخدر یا الکل از سوی متهم نیست اما برای اینکه مشخص شود قتل تحت تأثیر این عوامل بوده است یا خیر این تست‌ها گرفته می‌شود.

اما محمدعلی نجفی در نخستین اعتراف‌هایش به قتل میترا استاد گفت: او برای خراب کردن زندگی من آمده بود. مدام مرا تهدید می‌کرد که اسرارم را فاش و زندگی‌ام را ویران می‌کند. او حتی می‌خواست تهدیدهایش را در مصاحبه‌ای عملی کند.

نجفی در حالی برای اعتراف به قتل همسرش خود را به پلیس تسلیم کرد که روزنامه شرق جزئیات تازه‌ای از این حادثه را منتشر کرد. بر اساس خبر شرق، نجفی به علت کمانه کردن یکی از گلوله‌هایی که به سمت همسر مقتولش شلیک کرده زخمی شده بود.

تا لحظه تنظیم این گزارش، ابعاد تازه‌تری از این ماجرای جنجالی مشخص نشده است اما توییت غلامحسین کرباسچی نخستین اظهارنظر تأمل‌برانگیز چهره‌های سیاسی کشور درباره این ماجرا بود. او نوشت: ماهیت تأسف‌بار حادثه قتل میترا استاد هرچه باشد نمی‌توان مسئولیت کسانی را که ۲ سال قبل به رغم اصرار و تذکر دلسوزان و مراکز مسئول، این چاه ویل را برای اصلاحات و نجفی حفر کردند نادیده گرفت.

* ساختمان شهرداری تهران

خبر روز

# صید پرنده‌فروشان از دیوار

## فروشندگان ۳۵ قطعه جوجه «دلیجه» و «مرغ مینا» در فضای مجازی به دام نگهبانان طبیعت افتادند

راحله حسین‌زاده

طی رصد مأموران یگان حفاظت محیط زیست خراسان رضوی در فضای مجازی اطلاعاتی مبنی بر فروش جوجه مرغ مینا در سایت دیوار و چند سایت واسطه‌گر دیگر به دست آمد از همین رو تیم بررسی کننده با هماهنگی قضایی برای شناسایی عامل این آگهی مجرمانه وارد عمل شد.

اکیپ رسیدگی کننده که هدایت آن‌ها را ابوالفضل شعبانی، فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست استان برعهده داشت در مرحله اول این عملیات با انجام یک‌سری اقدامات اطلاعاتی در فضای مجازی رد فروشنده میناها را در شهر مشهد زد. حافظان محیط زیست در اقدام بعدی، خود را به عنوان خریدار جوجه‌مرغ‌های مینا جا زده و از طریق فضای مجازی با متهم ارتباط گرفتند و در یکی از خیابان‌های مشهد با او قرار ملاقات گذاشتند.

متهم غافل از اینکه مشتریانش مجریان قانون هستند در محل قرار حاضر شد و پس از گپ‌وگفت کوتاهی جوجه مرغ‌های مینا را به رؤیت مشتریانش رساند که در این لحظه مأموران لباس شخصی محیط زیست پس از رؤیت شدن صیدها و آشکار شدن جرم، این مرد سی ساله را دستگیر کردند. مأموران یگان حفاظت محیط زیست استان در این عملیات غافل گیرانه تعداد ۳۰ جوجه مینای چند روزه را کشف و ضمیمه پرونده این مرد جوان کردند.

### صیاد دلیجه در دام قانون

هنوز زمانی از اجرای عملیات موفقیت‌آمیز مأموران یگان حفاظت محیط زیست استان نگذشته بود که اطلاعات دیگری مبنی بر صید و فروش جوجه پرنده حفاظت شده دلیجه در فضای مجازی به دست تیم اجرایی محیط زیست افتاد.

محیط بانان اداره کل محیط زیست استان نیز بلافاصله پس از دست‌یابی به این اطلاعات فاز اجرایی اقدامات اطلاعاتی خود را اجرا کردند و طی جست‌وجوی کوتاهی در سایت واسطه‌گر مورد نظر این صیاد غیرمجاز را در مشهد شناسایی کردند.

در این پرونده نیز مأموران یگان حفاظت محیط زیست با همکاری نیروهای بسیج ناحیه مسلم طی یک قرار قبلی با این متهم سی‌وپنج ساله به بهانه خرید صیدهایش به رؤیت آثار جرم این سوداگر طبیعت اقدام کردند.

در این عملیات صیاد غیر مجاز این‌گونه از پرندگان شکاری دستگیر و تعداد ۵ قطعه جوجه چند روزه دلیجه که به تازگی زنده گیری شده بود کشف شد.

### حبس در انتظار سوداگران طبیعت

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خراسان رضوی در تشریح جزئیات دو عملیات انجام شده به خبرنگار ما گفت: دو متهم دستگیر شده پس از انتقال به سازمان محیط زیست و تشکیل پرونده و تفهیم اتهام برای ادامه تحقیقات به محاکم قضایی معرفی شدند. ابوالفضل شعبانی بیان کرد که طبق ماده ۱۳ قانون صید و شکار، ضرر و زیان صید هر جوجه دلیجه ۲۰میلیون تومان بوده که به همین میزان نیز جریمه نقدی برای شکارچیان در پی خواهد داشت و قانون گذار برای متخلفانی که این‌گونه از پرندگان حفاظت شده را صید یا شکار کنند تا ۳ سال حبس در نظر گرفته است. در این فقره نیز از صیاد غیرمجاز ۵ قطعه جوجه دلیجه کشف شد که متهم به پرداخت ۱۰۰میلیون تومان جزای نقدی محکوم خواهد شد.

به گفته شعبانی مأموران محیط زیست در این مأموریت با هماهنگی دستگاه قضائی به همراه متهم دستگیر شده به محلی که جوجه های دلیجه صید شده بودند اعزام و جوجه‌ها را به آشیانه بازگرداندند. این مقام مسئول با اشاره به اینکه خسارت صید هر جوجه مینا ۲۰۰هزار تومان است درباره پرونده کشف ۳۰جوجه مینا از جریمه شش‌میلیون تومانی و تا ۶ ماه حبس برای متهم به جرم صید و شکار جوجه مرغ مینا خبر داد.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خراسان رضوی در پایان با تأکید بر اینکه محیط زیست امانتی در دست ما برای آیندگان است خطاب به سوداگران طبیعت که در تلاش برای بهره‌وری از طبیعت برای منافع خود هستند هشدار داد که خرید و فروش حیوانات و پرنده‌های تحت حفاظت محیط زیست در فضای مجازی و حقیقی جرم محسوب می‌شود و قانون بدون هیچ مماشاتی با متخلفان برخورد می‌کند.

سردار جان‌نثار، فرمانده مرزبانی استان خراسان رضوی:
**در پی درگیری مرزبانان استان با گروهی از قاچاقچیان افیونی تعداد ۲۰هزار قرص روان‌گردان در نقطه صفر مرزی درگز کشف و یک تبعه زن ترکمنستانی دستگیر شد.**